

بررسی سود بانکی در شرایط تورمی

(با تأکید بر جنبه فقهی)

علی آل بویه*

سید سجاد علم الهدی**

چکیده

تعیین سطح مطلوب نرخ سود تسهیلات و نرخ سپرده‌های بانکی، یکی از مسائل مهم کنونی کشور است. در نظام مالی سنتی، نرخ بهره کوتاه‌مدت دولتی (که متناسب با نرخ تورم تعیین می‌شود) جانسین نرخ سود سرمایه‌گذاری بدون ریسک می‌شود، در حالی که در بانکداری بدون ربا، بهره پول نفی شده و سود سرمایه‌گذاری مدنظر قرار می‌گیرد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ تورم بیشترین تأثیر را بر تعیین نرخ سود تسهیلات و نرخ سپرده بانکی می‌گذارد. همچنین نرخ بهره واقعی تسهیلات اعطایی بانک‌ها، برای کسانی که وام می‌خواهند، بسیار پایین است و این امر موجب رانت‌جویی در اقتصاد خواهد شد. به این ترتیب، نرخ بهره حقیقی مبنای بحث در بانکداری اسلامی قرار می‌گیرد. در این مقاله ضمن بررسی اثرات متقابل تعیین نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی بر نرخ تورم در اقتصاد ایران، نشان داده می‌شود در دوره مورد بررسی (۱۳۸۵-۱۳۷۲)، نرخ سود تسهیلات بانکی از نرخ واقعی بازدهی سرمایه‌گذاری پائین‌تر است. این کاستی آثار مخربی بر قدرت جذب نقدینگی دارد و موجب میل سرمایه‌های نقدی به طرف بازارهای غیر رسمی خواهد گردید. از نظر فقهی نیز لحاظ نمودن نرخ تورم در محاسبه سود، بهره محسوب نمی‌شود و تنها حافظ ارزش واقعی پول خواهد بود.

واژگان کلیدی

نظام بانکداری بدون ربا، نرخ بهره، نرخ تسهیلات، نرخ سود سپرده بانکی، نرخ تورم، بانکداری اسلامی، عقود اسلامی

* دکترای فقه و حقوق و استادیار پردیس زاهدان واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

Email: alialbooyeh@yahoo.com

Email: alamolhoda.sa@gmail.com

** استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۱۸

تاریخ ارسال: ۹۰/۱۰/۱۰

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۵ / زمستان ۱۳۹۱ / صص ۱۹۰-۱۶۵

مقدمه

طی سال‌های اخیر نقش مؤسسه‌های مالی در بهبود وضعیت اقتصادی و رشد اقتصادی مبتنی بر بازار، بسیار مهم ارزیابی می‌شود. در اقتصاد توسعه‌یافته‌ای مانند آمریکا، مؤسسه‌های مالی تقریباً چهار پنجم کل پس‌اندازهای دلاری سالانه را جذب می‌کنند. دو عامل اصلی برای حضور واسطه‌های مالی در عرصه اقتصاد وجود دارد. این عوامل به اختصار «گزینه نامناسب»^۱ و «خطر اخلاقی»^۲ خوانده می‌شود. هر دوی این عوامل به دلیل عدم تقارن در اطلاعات به وجود می‌آید.

به این ترتیب، نقش با اهمیت واسطه‌های مالی - از جمله بانکها - در عرصه اقتصاد آشکار است. تجهیز منابع یا متمرکز ساختن وجوه مازاد بر نیاز پس‌اندازکنندگان توسط بانکها از راه ارائه خدمات یا دارایی‌های مالی به ایشان که با احتساب نرخ ریسک و بازدهی، رقیب دارایی‌های فیزیکی (مانند زمین، ساختمان و کالاهای بادوام) و سایر دارایی‌های مالی (مانند اوراق بهادار بنگاه‌ها و دولت) محسوب می‌شوند، صورت می‌گیرد.

علاوه بر این، فعالیت بانکداری طی دو دهه اخیر در دنیا تحولات بسیاری را تجربه کرده است. طی این دوره، در بسیاری از کشورها، حوزه فعالیت‌های مجاز بانک‌های تجاری و سنتی به فعالیت در بازارهای اوراق بهادار، بیمه، مستغلات و سرمایه‌گذاری گسترش یافته است، و از ادغام بانک‌های سنتی و دیگر نهادهای مالی، بانک‌های جامع^۳ پدید آمده‌اند. به اعتقاد صاحب‌نظران، شیوه فعالیت بانکداری جامع، علاوه بر مزیت‌هایی که نسبت به شیوه فعالیت بانکداری سنتی دارد، از ویژگی امکانات ارائه خدمات بیشتر به بخش واقعی اقتصاد و ارتباط نزدیک‌تر بین بخش‌های مالی و واقعی نیز برخوردار است.

در کشور ما، بانکها در چارچوب قانون بانکداری بدون ربا فعالیت می‌کنند. طبق این قانون، بانکها می‌توانند علاوه بر اعطای وام در قالب عقد قرض‌الحسنه و اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت و بلندمدت در قالب سایر عقود، اقدام به انتشار و دادوستد اوراق بهادار و تملک و واگذاری مستغلات نمایند. در صورتی که از ظرفیت‌های قانون عملیات بانکداری بدون ربا به درستی استفاده شود، بخش واقعی اقتصاد کشور در ارتباط نزدیک‌تری با بخش‌های مالی اقتصاد قرار

3. Universal Banks

1. Adverse Selection
2. Moral Hazard

خواهند گرفت و بیشتر از خدمات آن برخوردار خواهند شد.

در این مقاله، ابتدا نظام مالی و عوامل تعیین کننده نرخ بهره در نظام بانکی متعارف معرفی می‌گردد. سپس در تشریح نظریه نظام مالی اسلامی، مفهوم و شرایط تحقق ربا و نیز شیوه بانکداری بدون ربا بررسی خواهد گردید و در ادامه، جهت تحلیل وضعیت سودهای پرداختی و دریافتی در نظام بانکی ایران، به عنوان مطالعه موردی، آمار نرخ‌های انواع سودهای سپرده‌های سرمایه‌گذاری، سود تسهیلات اعطایی و همچنین نرخ تورم، مربوط به سال‌های (۱۳۷۲-۱۳۸۵) مورد استناد قرار می‌گیرد. در انتها نیز با توجه به آمارهای ارائه شده، درستی فرضیه‌های تحقیق ارزیابی خواهد شد.

فرضیه‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

فرضیه اصلی اول: وجود نرخ بالای تورم در کشور، موجب غیر واقعی بودن نرخ‌های سود بانکی می‌گردد.

فرضیه‌های فرعی:

- نرخ سود تسهیلات اعطایی و نرخ سود سپرده‌ها در کشور ما تابع عوامل مؤثر بر نرخ سود مورد انتظار نیست.

- نرخ بهره واقعی تسهیلات اعطایی بانک‌ها، به افرادی که تقاضای وام کرده‌اند، پایین‌تر از نرخ بازاری آن است.

- نرخ سود انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری تنها موجب جبران کاهش ارزش پول سپرده‌گذاران می‌گردد.

فرضیه اصلی دوم: جبران کاهش ارزش پول به معنای پرداخت اضافه به میزان نرخ تورم، از نظر فقهی منعی ندارد.

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

۱. نظام مالی

یک نظام مالی متشکل از شبکه بازارهای مالی، مؤسسات مالی، خانوارها و دولت است. این واحدها عملکرد نظام مالی را تنظیم می‌نمایند. عملکرد نظام مالی، انتقال منابع وام‌دانی، از وام‌دهندگان (یا واحدهای دارای مازاد پس‌انداز) به استقراض‌کنندگان (یا واحدهای دارای کمبود تقاضا) است و مؤسسات مالی نقش مهمی را در این فرایند ایفا می‌کنند (Rose&Fraser, 1988).

۱-۱. مؤسسات مالی

مؤسسه مالی یک بنگاه تجاری است که شامل مؤسسات بانکی و غیر بانکی مانند بانک‌ها، مؤسسات بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، مؤسسات سرمایه‌گذاری و...

می‌شود. دارایی‌های اصلی یک مؤسسه مالی، اسناد دارایی و مطالبات مالی، مانند سهام، اوراق قرضه و وام‌ها می‌باشد. در مقابل، دارایی‌های اصلی در یک مؤسسه غیر مالی، عبارت از دارایی‌های حقیقی نظیر ساختمان، تجهیزات و مواد خام است.

۱-۲. نرخ بهره و نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری

در خصوص بهره، از دیدگاه‌های مختلف، تعاریفی عنوان شده که شامل موارد زیر است:

الف) نرخ بهره قیمتی است که در نظام سرمایه‌داری برای پول و اوراق قرضه پرداخت می‌شود.

ب) بهره در واقع هزینه‌ای است که افراد در ازای استفاده از منابع دیگران به آنها می‌پردازند.

ج) نرخ بهره قیمت اجاره پول می‌باشد. (البته گاهی به غلط آن را «قیمت پول» گفته‌اند، در حالی که قیمت پول، مقدار کالاها و خدماتی است که یک واحد پول قادر به خرید آن می‌باشد).

د) نرخ بهره به صورت یک نرخ قراردادی، نرخ است که در قرارداد برای استقراض تعیین می‌شود.

ه) بهره درآمدی است که فرد به ازای به تعویق انداختن استفاده از منابع خود دریافت می‌نماید.

و) بهره پاداشی است که به وام‌دهنده پرداخت می‌شود، تا در وهله اول آنان را ترغیب کند که از این وجوه نقد خود جدا شود و در وهله دوم، خطرات اقتصادی را که در جریان قرض دادن پول ممکن است پدید آید، خنثی کند (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸).

۱-۳. نظریه‌های تعیین نرخ بهره

در نظریه پولی^۴، نرخ بهره موضوع اصلی مورد توجه است. سه الگوی اصلی برای تعیین نرخ بهره وجود دارد:

نظریه حقیقی نرخ بهره: براساس این نظریه، نرخ بهره توسط عوامل حقیقی مانند سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، بهره‌وری و عقل معاش^۵ تعیین می‌شود. در اینجا، فرض می‌گردد که در بازار وجوه قابل اعطاء^۶ به صورت وام، تقاضا و عرضه اوراق قرضه جدید، تنها انعکاسی از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی‌شده، هستند. دو ویژگی اصلی نظریه حقیقی ساده نرخ بهره، عبارت است از:

الف) عرضه اوراق قرضه تنها ناشی از تمایل بنگاه‌ها به سرمایه و انتشار اوراق برای

4. Monetary Theory
5. Thrift
6. Loanable Fund Market

تأمین مالی سرمایه‌گذاری است. عرضه برنامه‌ریزی‌شده اوراق با سطح برنامه‌ریزی‌شده سرمایه‌گذاری برابر است. تقاضای برنامه‌ریزی‌شده اوراق با پس‌انداز برنامه‌ریزی‌شده، برابر است.

ب) از آنجا که سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، متغیرهای روانه هستند، منحنی‌های عرضه و تقاضا باید مرتبط به جریان تقاضا و عرضه اوراق باشند.

الگوی پولی وجوه قابل اعطاء به

صورت وام: در این الگو، تقاضا و عرضه اوراق جدید یا وجوه قابل اعطاء به صورت وام، به توابع تقاضا و عرضه پول، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی‌شده، بستگی دارد. در این نظریه، نرخ بهره آشکارا به صورت جزئی پدیده‌ای پولی است. لازم به ذکر است که نرخ بهره توسط نیروهای حقیقی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و نیروهای پولی عرضه و تقاضای پول تعیین می‌شود، و سطح نرخ بهره با تغییر نیروهای پولی می‌تواند تغییر یابد.

نظریه رجحانت نقدینگی: در سال ۱۹۳۶ میلادی، کینز نظریه بهره را ارائه کرد. این نظریه نیز همچون نظریه پولی وجوه قابل اعطاء به صورت وام، عوامل پولی را مدنظر قرار می‌دهد. در واقع، به اعتقاد کینز نرخ

بهره عمدتاً یک پدیده پولی است. در این الگو، کینز به طور کامل تأثیر نقدینگی پول را که در واقع همان تقاضای کنز است، بر نرخ بهره بیان کرد.

۴-۱. عوامل مؤثر بر نرخ بهره

بانک‌ها برای تعیین نرخ بهره وام خود، از فرمول خاصی استفاده می‌نمایند. مهم‌ترین عامل در تعیین نرخ بهره، نرخ مبنا می‌باشد. متغیرهای دیگری که در این زمینه دخالت دارند، عبارت‌اند از:

الف) عرضه و تقاضا: نرخ بهره همانند قیمت کالاهای دیگر براساس میزان تقاضای اعتبار نسبت به عرضه آن در بازار تغییر می‌نماید. به عبارت دیگر در صورتی که میزان عرضه وام اعطائی بیشتر از تقاضای وام باشد، در این حالت نرخ بهره کاهش خواهد یافت.

ب) نرخ تورم: یکی از عوامل مهم در تعیین نرخ بهره، نرخ تورم است؛ چرا که در صورت پائین بودن نرخ بهره نسبت به نرخ تورم، قدرت خرید پولی که اعتباردهنده در آینده دریافت می‌کند، نسبت به پولی که هم‌اکنون پرداخت می‌کند، کمتر است. نرخ تورم باعث کاهش قدرت خرید پول می‌گردد؛ به طوری که به ازای یک درصد افزایش در نرخ تورم، در واقع به معنای یک درصد

کاهش در میزان کالایی است که با آن پول در آینده می‌توان خرید نمود. به همین دلیل اعتباردهنده سعی می‌کند با لحاظ نمودن نرخ تورم در نرخ بهره، حداقل قدرت پول خود را حفظ نماید.

ج) ریسک: ریسک به معنای عدم اطمینان بیشتر باشد، به معنی ریسک بیشتر است. ریسک عاملی است که نه تنها بر میزان نرخ بهره تأثیر می‌گذارد، بلکه باعث می‌شود تا نرخ بهره در معاملات مختلف نیز متفاوت شود. مهم‌ترین ریسک‌هایی که در بحث اعتبار وجود دارند، عبارت‌اند از:

ریسک عدم توانایی اعتبارگیرنده:^۷ احتمال اینکه به علت عدم توانایی اعتبارگیرنده، امکان بازپرداخت به موقع اصل و فرع بدهی میسر نگردد، یکی از اجزای ریسک اعتباری محسوب می‌شود.

ریسک نقدی:^۸ چنانچه اوراق بهادار خریداری‌شده توسط بانک به سرعت قابل فروش نباشد، در این حالت ریسک نقدینگی اوراق افزایش می‌یابد. در ادبیات بانکداری خرید اوراق بهادار، به معنای اعطای وام به ناشر اوراق است.

ریسک زمان سررسید:^۹ زمان سررسید نیز خود یکی از عوامل ریسک محسوب می‌شود، زیرا اوراق بهاداری که سررسید آنها زودتر از اوراق دیگر باشد، از ریسک کمتری برخوردارند. این امر باعث می‌گردد تا اوراق با سررسید طولانی با نرخ بهره بالاتری عرضه شوند.

البته اوراقی که دارای کوپن هستند و در دوره‌های مشخصی از طریق کوپن‌های مزبور سودی به دارندگان آنها پرداخت می‌گردد، نسبت به اوراق بهادار بدون کوپن از ارجحیت بالاتری برخوردار هستند؛ چرا که در اوراق بدون کوپن، دارنده آن باید تا سر رسید اوراق برای دریافت سود صبر نماید.

د) مالیات: به طوری که ملاحظه می‌شود، در بعضی از کشورها به اوراق بهادار مالیات تعلق گرفته که این امر نیز در تعیین نرخ بهره اوراق مؤثر است.

با توجه به عوامل مؤثر فوق، می‌توان این‌گونه عنوان کرد که خریداران اوراق بهادار یا اعطاکنندگان اعتبار انتظار دارند نرخ سود دریافتی آنها از حد معینی کمتر نباشد. منطقی است که نرخ سود مورد انتظار به‌نحوی تعیین گردد که پوشش کافی در خصوص موارد زیر را ایجاد نماید:

9. Maturity risk

7. Default risk
8. Liquidity risk

۱-۵. عوامل کنترل نرخ بهره

بانک مرکزی و دولت با استفاده از سیاست‌های پولی و مالی سعی می‌کنند به صورت غیر مستقیم بر روی نرخ بهره تأثیر گذارند و روند آن را براساس برنامه‌های بلندمدت خود تغییر دهند.

همان‌طور که می‌دانیم، سیاست‌های پولی، توسط بانک مرکزی در جهت کنترل نقدینگی اعمال می‌شود. بانک مرکزی سعی می‌کند از طریق اعمال این سیاست‌ها بر الگوی مصرف خانوار، تولید بنگاه‌ها و در نهایت تورم تأثیر بگذارد. ابزارهای سیاست‌های پولی عبارت‌اند از:

الف) ذخایر قانونی: بانک مرکزی با دخالت در میزان عرضه پول و اعتبار توسط بانک‌ها، می‌تواند بر حجم نقدینگی و در نهایت بر نرخ بهره تأثیر بگذارد. علاوه بر این، بانک‌ها غیر از ذخیره قانونی همواره درصدی از سپرده‌ها را در حساب‌های خود نزد بانک مرکزی نگهداری می‌کنند.

ب) عملیات بازار باز: در این حالت بانک مرکزی می‌تواند با خرید و فروش اوراق قرضه در بازار بر حجم اعتبارات و در نهایت بر میزان نرخ بهره تأثیر بگذارد.

الف) نرخ سود مورد انتظار از نرخ تورم کمتر نباشد؛ زیرا در غیر این صورت خرید فعلی اصل مبلغ پرداختی از قدرت خرید اصل به علاوه سود دریافتی کمتر خواهد بود.

ب) در صورتی ریسک عدم بازپرداخت به موقع اصل و سود مبلغ پرداختی وجود داشته باشد، نرخ ریسک نیز باید به نرخ تورم افزوده شود؛ به نحوی که نرخ سود مورد انتظار، نرخ تورم و ریسک پذیرفته‌شده را پوشش دهد. دلیل آن نیز این است که در غیر این صورت خریدار اوراق بهادار یا اعطاکننده تسهیلات کماکان متضرر خواهند شد.

ج) در صورتی که تورم و ریسک در اعطای تسهیلات یا خرید اوراق بهادار وجود نداشته باشند، در این صورت منطقی به نظر نمی‌رسد که اعطاکننده تسهیلات یا خریدار اوراق، وجوه خود را بدون انتظار برای مدتی در اختیار دیگری قرار دهد. لذا نرخ سود مورد انتظار علاوه بر نرخ تورم و نرخ ریسک می‌بایست حداقل نرخ سود مورد انتظار را نیز شامل شود. زیرا نرخ سود مورد انتظار برابر است با حاصل جمع سه نرخ: نرخ حداقل سود مورد انتظار، نرخ تورم انتظاری و نرخ ریسک.

ج) نرخ تنزیل مجدد: نرخ تنزیل مجدد، نرخ است که بانک‌های تجاری باید برای دریافت اعتبارات از بانک مرکزی به این بانک بپردازند. بانک مرکزی اعتبارات یادشده را از طریق تنزیل مجدد اوراق بهادار به بانک‌ها اعطاء می‌نماید.

در مقابل، اگر دولت در نتیجه گسترش هزینه‌های خود با کسر بودجه روبه‌رو شود، این امر باعث افزایش میزان تقاضای اعتبارات در بازار و به تبع آن کاهش نرخ بهره خواهد شد.

۲. نظریه نظام مالی اسلامی

ابزارهای این سیاست، صرفاً می‌توانند بر روی بخش عرضه پول و اعتبار تأثیر بگذارند. قابل ذکر است که در کشور ایران معمولاً از ابزارهای سیاست پولی مستقیم از قبیل تعیین نرخ سود و تخصیص بخشی اعتبارات استفاده می‌گردد. این امر باعث شده است تا تغییر در نرخ ذخیره قانونی هیچ‌گونه تأثیری بر روی تغییرات نرخ سود نداشته باشد. در ارتباط با عملیات بازار باز نیز در حال حاضر بانک مرکزی از طریق انتشار اوراق مشارکت از این ابزار استفاده می‌نماید.

شیوه نظام مالی اسلامی، به عنوان روش جایگزین برای ارائه خدمات مالی معرفی شده است. در نظام مالی اسلامی، همانند سایر نظام‌ها، از ابزارهایی استفاده می‌شود که مهم‌ترین آنها پول و بازارهای مالی است. در این نظام، واسطه‌های مالی براساس مقررات و چارچوب‌های حقوقی که فقه اسلامی به آن پرداخته است، وظایف خود را انجام می‌دهند. از تفاوت‌های مهم و آشکار نظام مالی اسلامی با سایر نظام‌های مالی، پایه حرکت آن است. در نظام مالی مبتنی بر مکتب سرمایه‌داری، پایه حرکت سیستم مالی بر نرخ بهره انواع بدهی‌ها استوار است؛ در صورتی که با تحریم ربا در اسلام، سیستم مالی اسلامی بر پایه نرخ بازدهی از سرمایه‌گذاری‌ها - که در قالب عقود شرعی به دست می‌آیند - منابع مالی را جذب و تجهیز می‌کند.

برخلاف سیاست پولی، دولت می‌تواند با سیاست مالی، بر روی هر دو بخش عرضه و تقاضای اعتبار تأثیر بگذارد. در صورتی که دولت کلیه درآمدهای خود را که ناشی از اخذ مالیات و دیگر منابع درآمدی است، هزینه ننماید، در واقع با مازاد بودجه روبه‌رو می‌شود؛ که این به معنای افزایش پس‌انداز دولت و به تبع آن افزایش نرخ بهره خواهد شد.

در نظام مالی اسلامی، براساس نص صریح، ربا و عملیات ربوی تحریم شده است؛

تعالی ایشان را به عقوبتی بس شدید بگرفت) (سوره حاقه، آیه ۱۰). مراد از رایبه، شدید است. یعنی أخذ بیشتر از اعطاء می‌باشد. در اصطلاح فقهی نیز به زیاده‌ای گفته می‌شود که در برخی از معاملات یا مبالغی که بیش از مبلغ قرض داده‌شده، گرفته می‌شود.

ربا در نظر شرع مبین اسلام حرام و از نظر عقل باطل و از حیث اقتصادی نیز محسوس و رفتنی است. حرمت شرعی آن به دلیل کتاب و سنت و اجماع است. حرمت ربا در ادیان دیگر نیز مطرح بوده و هست. در تورات درباره رباخواری آمده است: اگر مالی را به یکی از بندگانم قرض دادی، مانند رباخواران با او برخورد مکن و از او سود مگیر (آیه ۱۵، فصل ۲۲ از سفر خروج) و به بیگانه می‌توانی به سود و ربا قرض دهی، اما برادرت را به سود قرض مده (آیه ۲۰، فصل ۲۳، از سفر دوم).

تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد رباخواری و سودجویی از راه پول هرچند به عنوان عملی زشت و ناپسند، در میان ملل و اقوام گذشته نیز رواج داشته است. در قرون وسطی پرداخت بهره یا سود بابت وام رباخواری نامیده می‌شد و دریافت ربا به موجب آن ممنوع بود. این ممنوعیت تا قرن ۱۳ که کلیسا حاکم بود، جریان داشت. در پایان قرن

گرچه تردیدهایی در مورد مصداق ربا و عملیات ربوی در شرایط کنونی اقتصاد جهانی - که در اکثر اقتصادها و در کل افزایش مستمر قیمت کالاها و خدمات وجود دارد - از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است. با این حال، نظریه غالب اسلامی، بانکداری رایج در کشورهای غربی و به عبارت دیگر، شیوه بانکداری سنتی را ربوی می‌داند.

برای تبیین بیشتر نظام مالی اسلامی، به بررسی مهم‌ترین عامل در نظام مالی اسلامی می‌پردازیم و سپس شیوه بانکداری بدون ربا را مطرح می‌کنیم.

۱-۲. مفهوم و سابقه تاریخی ربا

ربا در لغت به معنای "زیادی" آمده، به عنوان مثال در لسان العرب (ابن منظور، ج ۱۴، ص ۳۰۴) آمده است: "والأصل الزيادة من ربا المال اذا زاد و ارتفع و نما". یعنی ربا در اصل لغت، به معنی یک نوع زیاده است که در اموال و ثروت به وجود می‌آید. ربا از ماده ربوه به معنی علو و ارتفاع می‌باشد، زیرا مال مرابی و رباخواران به دلیلی غیر موجه "یعلو علی مال غیره" بر اموال دیگر سلطه پیدا می‌کند. در قرآن کریم ربا به این معنا در چندین موضع تصریح شد است: فَعَصُوا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (در نتیجه فرستاده پروردگارشان را نافرمانی نمودند، پس خدای

۱۳ عوامل متعددی باعث شد نفوذ کلیسای ارتدکس ضعیف شود. اصلاح طلبانی به رهبری لوتر و تزوینگل با اخذ بهره موافقت کردند و با کاهش نفوذ کلیسا قرض دادن با بهره قابل قبول گردید. بنابراین با شروع رنسانس در اروپا پایه‌های تحریم ربا سست و ضعیف گردید، چرا که تحولات صنعتی و تجاری مستلزم تأمین مالی فراوانی بود که حد و مرزی نمی‌شناخت. لغو ممنوعیت ربا به دیگر نقاط سرایت کرد و جهان‌گیر شد. شاید بتوان این فراگیری را مصداقی برای این سخن پیامبر (ص) دانست که فرمود: "یاتی علی الناس زمان لا یبقی احدٌ الا اکل الربا، فان لم یأ کله، أصابه من غباره" زمانی بر مردم خواهد رسید که هیچ‌کس از رباخواری سالم نمی‌ماند و اگر هم ربا نخورد، گردوغبار آن به او اصابت خواهد کرد (ماجدی و گلریز، ۱۳۶۶، ص ۲۰۰).

۲-۲. انواع ربا در فقه اسلامی:

(الف) ربای معاوضی: این نوع ربا دارای دو شرط است:

۱. جنس مورد معاوضه مکیل یا موزون باشد، یعنی معیار اندازه‌گیری آن حجمی یا وزنی باشد.

۲. کالاهای مورد معامله هم‌جنس

(ب) ربای قرضی: این قسم از ربا شرایط ربای معاوضی را ندارد. یعنی در ربای قرضی فرقی بین مکیل، موزون و معدود نیست، بلکه تنها رکن آن، شرط مقدار اضافی است.

۲-۳. ربا در قرآن

در قرآن مجید، تحریم ربا به صورت تدریجی در عین حال با شدت و تأکیدی خاص انجام یافته است. این تحریم، در چهار مرحله انجام شده است:

(الف) در آیه ۳۹ از سوره روم در تنها آیه مکی که درباره ربا می‌باشد (سایر آیات مربوط به ربا همه مدنی هستند) به صورت یک پند اخلاقی از ربا سخن به میان آمده است و با سبک بسیار جالبی همین قدر بیان شده که ربا خواری در پیشگاه الهی کار پسندیده و مقبولی نیست "و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند الله و ما آتیتم من زکوه تردیدون وجه الله فاولئک هم المضعفون". یعنی مالی که به ربا می‌دهید (از نضر افراد کوتاه بین)، ممکن است زیاد گردد، اما در پیشگاه خداوند چیزی بر آن افزوده نخواهد شد.

(ب) در مرحله دوم از رباخواری بدین صورت یاد می‌شود که ضمن انتقاد از عادات و رسوم ناشایست و غلط یهودیان به عادت

رباخواری آنها اشاره شده و به شدت تقبیح می‌گردد.

ج) تحریم نهایی رباخواری در آیات ۱۳۲-۱۳۰ سوره آل عمران اعمال شد. ای گروه مومنان ربا و سود پول را چند برابر نخورید و تقوای الهی داشته باشید تا رستگار شوید. از آتشی که برای کافران آماده شده، بپرهیزید و از خدا و فرستاده او اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید.

د) در مرحله چهار با یک فرمان اکید الهی در آیات ۲۸۰-۲۷۸ بقره هرگونه رباخواری تحریم گردید و حرمت ربا در زمره قوانین ابدی و جهانی اسلام وارد شد.

۲-۴. فلسفه و ملاک تحریم ربا

۱. اصطناع معروف: یکی از اصول اساسی در اسلام مسایل اخلاقی است. اسلام در عین تجویز سرمایه‌داری، از ربا منع نموده است. زیرا در اسلام، عدالت و توجه به اصول اخلاقی، از اصول اساسی اجتماعی محسوب می‌گردد. بدین لحاظ هرچند قرض دادن واجب نیست، اما نسبت به قرض‌الحسنه، تأکید بسیاری شده و زمینه آن را فراهم ساخته است. این زمینه‌سازی از طریق تحریم قرض ربوی و وجوب زکات بر ذخیره‌سازی پول صورت پذیرفته است. خدا ربا را حرام کرده و این راه را بسته تا مردم از طریق

قرض‌الحسنه برای یکدیگر کارگشایی کنند نه از طریق ربا (مطهری، ۱۳۷۸، صص ۱۶۴-۱۶۳).

۲. ماهیت قرض: ربا قرض است و قرض نمی‌تواند سود داشته باشد، زیرا طبیعت قرض تملیک است به ضمان. یعنی قرض دهنده مال خودش را تملیک می‌کند به قرض‌گیرنده و عهده قرض‌گیرنده را مدیون خودش قرار می‌دهد. یعنی از همان ساعتی که تملیک نمود، وجود عینی آن مال، ملک قرض‌گیرنده است، نه ملک قرض‌دهنده. بنابراین مال اگر سود و زیانی داشته باشد، از مقرض نیست و بر عهده قرض‌گیرنده است، یعنی از ملک قرض‌دهنده خارج و در ملک قرض‌گیرنده وارد شده است (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

۳. ظلم و انظلام: هدف یک جامعه اسلامی پیاده کردن قسط و عدالت است. بنا به گفته امیر مؤمنان "العدل، حیات‌الأحكام" زمانی احکام خدا پیاده می‌شود که عدالت در آن پیاده شده باشد. شهید صدر استنباط فوق‌العاده جالب و آموزنده‌ای دارند و آن اینکه حلال و حرام را چیزی جز عدالت اجتماعی نمی‌دانند. بنابراین در نفی ربا باید حتماً یک عدالت اجتماعی بینیم. از جمله "لا تظلمون و لا تظلمون" که به صورت دو

۲-۵. معرفی شیوه بانکداری بدون ربا

چنانچه وام‌ها و سپرده‌های قرض‌الحسنه و عقود غیر مشارکتی را در نظر نگیریم، در تعریف کوتاه بانکداری اسلامی می‌توان گفت که شیوه‌ای از بانکداری است که مبتنی بر تسهیم سود و زیان بین طرفین مبادله می‌باشد.

بیش از هشتاد سال از تأسیس اولین بانک ایرانی و نزدیک به هفتاد سال از تصویب قانون بانکی و پولی کشور (مصوب ۱۳۱۵) می‌گذرد. نکته حائز اهمیت در خصوص شیوه فعالیت بانک‌ها در کشور، اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، از ابتدای سال ۱۳۶۳ است. با مطالعه مبانی نظری بانکداری بدون ربا، سه ویژگی عمده در آنها مشاهده می‌شود:

اول، عقد مضاربه، عقد غالب در بانکداری اسلامی است. به عبارت دیگر کلیه نیازهای اشخاص حقیقی و حقوقی به‌وسیله عقد مضاربه قابل تأمین است.

دوم، در بانکداری اسلامی ترسیم‌شده، نحوه عمل بانکداری به نحوی است که سیاست پولی وجود دارد. به عبارت دیگر، بانک واسطه وجوه معرفی شده است و می‌تواند از طریق کاهش یا افزایش حجم پول

فعل معلوم و مجهول یا خطاب به قارض و مقروض است و با حرف نفی آمده، چنین استفاده می‌گردد که به قارض یا فروشنده برسد، به دلیل اینکه باید به اصل مالش برسد و نه ظلم به مشتری شود. اما اگر مسئله ربا انجام می‌گرفت و قارض زیاده‌تر می‌گرفت، ظلم به مقروض می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۷۲، صص ۱۱۳-۱۱۲).

اسلام در مواردی که ربا را تحریم کرده، تعبیر "لا تظلمون و لا تظلمون" را آورده و نیز در مواردی که ربا را تجویز نموده و از حکم کلی ربا مستثنی ساخته است. بنابراین حرمت ربا "لا تظلمون و لا تظلمون" بوده و بر همین مبناست که حیل ربا به طور مطلق تحریم شده است، گو اینکه با وقوع حیل شرعی ربا صورت معامله تغییر می‌کند. اما به دلیل بقای منافع و ملاک حرمت و ثبات ماهیت اصلی معامله حکم حرمت کماکان باقی می‌ماند. بنابراین وقوع ظلم خود ملاکی دیگر در ربوی بودن معاملات و پرداخت‌ها می‌باشند که از آیه مذکور استنباط می‌گردد. ربا مصداق واقعی ظلم است و ظلم هم حرام است، پس ربا حرام است (تفسیر المیزان، جلد ۳، ص ۴۲۳).

انتظارات متقاضیان تسهیلات از بازدهی طرح سرمایه‌گذاری است - و میزان عرضه وجوه توسط پس‌اندازکنندگان - اقدام به تعیین نرخ‌های علی‌الحساب می‌نماید.

۲-۷. شبهه ربوی بودن معاملات

بانکی

یکی از مشکلات بانکداری کنونی، عملکرد صوری و غیرواقعی بسیاری از بانک‌هاست. بانک‌ها در ابتدا ناگزیر بودند که به شکل بانک‌های سنتی عمل کنند و همان خدمات را ارائه دهند تا ثابت کنند که عملیات بانکی می‌تواند بدون بهره ربوی نیز انجام شود، اما با گسترش این بانک‌ها و تثبیت جایگاه آنها، می‌توانند با تغییراتی در نحوه ارائه خدمات این مشکلات را حل کنند. متأسفانه به دلیل تعدد عقود و پیچیده بودن نحوه عملکرد این عقود، اجرای درست و کامل آنها نیاز به آموزش کارکنان را می‌طلبد که این خود فرایندی هزینه‌بر است، چرا که اگر کارکنان بانک‌ها نتوانند مشتریان را به درستی راهنمایی کنند، باعث صوری شدن بسیاری از قراردادهای خواهد شد. علاوه بر صوری شدن بخشی از معاملات، رشد کمی عقود مبادله‌ای که ماهیتی شبیه وام و اعتبارات ربوی دارند، اعلام نرخ سود علی‌الحساب در ابتدای دوره و اعطای همان

(همانند سیستم سرمایه‌داری) در فعالیت اقتصادی اثر بگذارد.

سوم، سپرده سپرده‌گذاران مشمول سپرده قانونی است. اگر بانک‌های مبتنی بر بهره به دلیل قدرتی که به آنها در مورد خلق پول داده شده است، برای کنترل حجم پول (از طرف بانک مرکزی‌شان) موظف به نگهداری سپرده‌های قانونی هستند. به این علت که بانک‌ها واسطه وجوه هستند و تولیدشان «پول» است و برای اینکه در تولید این کالا افراط نشود، سپرده قانونی وسیله‌ای برای کنترل آن است.

۲-۶. معیار جایگزینی نرخ بهره

در نظام مالی اسلامی - که به دلیل حذف نرخ بهره ثابت و از پیش تعیین شده، فاقد ابزارهای بدهی است (به‌جز وام و سپرده قرض‌الحسنه) - تأمین مالی از طریق سهام تنها راه تأمین سرمایه مالی است و به این دلیل، نظام مالی مبتنی بر سهام می‌باشد.

در حال حاضر، در کشور نرخ سود علی‌الحساب انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری و تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش‌های اقتصاد، به عنوان مبنایی برای ارزیابی طرح‌های سرمایه‌گذاری، توسط سیاستگذار تعیین می‌گردد. در واقع، سیاستگذار با توجه به میزان تقاضا برای وجوه - که ناشی از

نرخ به عنوان سود تحقق یافته برای سپرده‌ها، صحبت از بالا و پایین بردن سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری در حالی که در بانکداری بدون ربا سود سپرده‌ها تابع سوددهی نظام بانکی است که در آخر دوره مالی مشخص می‌شود. از جمله مواردی که می‌توان اشاره کرد، استفاده از عقد جعاله است که در جهت تعمیر مسکن ارائه می‌شود. در حالی که بانک که عامل جعاله است، تنها به مراجعه‌کننده پول می‌دهد که خود او اقدام به تعمیر مسکن کند. این اقدام در واقع جعاله نیست و در مواردی نیز بدون اینکه گیرنده پول، صاحب مسکن باشد و یا اینکه مسکن او نیاز به تعمیر داشته باشد، پول را برای هدف دیگری به کار می‌اندازد. در عقد سلف نیز بانک خود فروشنده کالا را از طرف خود وکیل می‌کند که کالا را به قیمت معین بفروشد و اگر بیشتر فروخت، از آن خود فروشنده است. این باعث شده بانک در تعیین قیمت خرید سلف و با فروش سلف از قیمت‌های واقعی چشم‌پوشد و آنها را طوری تنظیم کند که به سود مورد نظر برسد که این علاوه بر شبهه موجب عدم کارایی سلف خواهد شد.

لذا در بانکداری اسلامی بایستی مشتری و بانک دقیقاً متوجه ماهیت عقد بوده و آن را انجام دهند. در غیر این صورت عقد باطل

شده و آثاری بدتر از ربا خواهد داشت. همچنین ارائه پیش‌فاکتورهای جعلی در عقود مضاربه، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک برای دریافت تسهیلات بانکی، و عمل برخلاف مقتضای عقد و نتیجه قهری آن، ارائه سفته‌صوری در خرید دین در حالی که خرید دین محقق نشده است، مشروعیت ندارد و بانک‌ها بدون بررسی و اطمینان کامل از واقعی بودن اسناد ارائه‌شده و دین مندرج در آنها، به انجام عقد خرید دین اقدام کرده‌اند، سبب شده است تا مشروعیت کل فرایند مورد سؤال قرار گیرد.

مورد دیگر اینکه در نظام بانکداری بدون ربا باید سود سپرده‌ها در آخر دوره مالی مشخص شود و در حقیقت یکی از تفاوت‌های اساسی بانکداری اسلامی با بانکداری مبتنی بر بهره، آن است که در نظام بانکداری مبتنی بر بهره، نرخ بهره، میزان عایدی فرد سپرده‌گذار را بر اساس درصدی از سپرده و مدت زمان سپرده‌گذاری شده، تعیین می‌کند؛ زیرا از همان ابتدا که صاحبان منابع مالی مازاد، به بانک مراجعه می‌کنند، مشخص می‌شود که به طور تضمینی در سررسید، چقدر عایدی بهره به آنان تعلق می‌گیرد. اما در بانکداری بدون بهره فقط سهم سود صاحب سرمایه مشخص، و سود در

ملحوظ است. این مطلب در پول‌های حقیقی، واضح و روشن است، زیرا پول حقیقی، خود از کالای حقیقی، همچون طلا یا نقره تشکیل شده که ارزش آن قائم به عین است.

پول اعتباری از نظر فقهی مال مثلی است. از این رو ضمان آن نیز مثلی است. بنابراین چنانچه شخصی یک اسکناس هزار ریالی از کسی تلف کند، باید در عوض آن هزار ریال به او مسترد دارد. همچنین اگر هزار ریال به دیگری بدهکار شود، باید معادل همان هزار ریال را به او پرداخت نماید. بنابراین از این دیدگاه پول اعتباری نوعی مال مثلی است که قدرت خرید آن موضوع و مقوم مثلث آن است. از این رو اگر این مال مثلی قرض داده شود، هنگام بازپرداخت باید مقوم آن یعنی قدرت خرید آن حفظ شود، یعنی کاهش قدرت خرید جبران گردد.

البته فرض کالا بودن پول، دارای اشکالاتی نیز هست. اول اینکه قدرت خرید از عوارض و حالات پول است، نه از مقومات پول. زیرا هنگامی که فردی مقداری پول اعتباری قرض کرد، در عرف گفته نمی‌شود او قدرت خرید قرض کرده است. دوم، اگر فایده پول اعتباری در قدرت خرید آن منحصر باشد و همین امر ایجاب می‌کند که قدرت خرید موضوع و مقوم این مال مثلی یعنی

انتهای کار، و پس از حسابرسی سود و زیان پروژه تعیین می‌شود؛ بنابراین در حالی که در طرف تجهیز منابع در عملیات بانکی با بهره، نوعی تضمین وجود دارد، در عملیات بانکی بدون بهره که با سرمایه‌گذاری و تولید سروکار می‌یابد، عدم تضمین و عدم اطمینان، جزء ذاتی آن است. حال اگر در نظام بانکی بدون بهره در طرف تجهیز منابع، نرخ سود را به نوعی تضمین کنیم یا نرخ سود علی‌الحسابی پردازیم که تضمین عملی داشته باشد، عملکرد طرف تجهیز منابع در بانکداری با بهره و بدون بهره مشابه خواهد بود.

۲-۸. پول از منظر فقهی

اگر بپذیریم پول، حکم کالا را دارد، در آن صورت تمام احکام حقوق کالا از قبیل تملیک و تملک به نقل و انتقال ذمه یا ضمان به پول نیز تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر خود پول از نظر فقهی بیان کالا متعلق مالکیت و نقل و انتقال واقع می‌شود. زیرا کلیه احکام کالا به جهت مالیت کالاست و از نظر فقها پول و حتی پول‌های اعتباری، مال است. پول چنانچه قرض داده شود، دقیقاً مثل کالا عین آن تملیک می‌شود و ملیت آن به ذمه منتقل می‌گردد. در پول، مانند کالا جنبه عینی و جنبه مالیت و ارزش آن هر دو

پول اعتباری باشد و جبران کاهش قدرت خرید را موجه شمارد، در مورد سکه و نقره نیز قدرت خرید موضوع و مقوم آن است و کاهش ارزش آن بایستی جبران شود. (میرجلیلی و نظری، ۱۳۸۲، صص ۳۲۴-۳۲۳).

۲-۹. تورم و کاهش ارزش پول

در نظام جدید پولی، وجود تورم اجتناب‌ناپذیر است. اقتصاددانان تورم را افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها می‌دانند به عبارت دقیق‌تر، تورم متوسط افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها چیزی جز کاهش ارزش پول نیست. عوامل متعددی بر کاهش ارزش پول و افزایش سطوح عمومی قیمت می‌توان برشمرد که در این نوشته مجال پرداختن به آن نیست، اما یک نکته مسلم و حائز اهمیت است که در بلندمدت مهم‌ترین عنصر افزایش حجم پول در گردش، عامل اصلی افزایش عمومی سطح قیمت‌هاست (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۸۷).

۲-۱۰. نظریه جبران کاهش ارزش پول

همچنان که می‌دانیم، ربا عبارت است از پرداخت هرگونه زیادتی ثابت و از قبل

تعیین‌شده بر اصل پول قرض گرفته‌شده. با عنایت به این واقعیت که ملاک و مناط حرمت ربا، ظلم و انظلام است، می‌توان گفت، جبران کاهش ارزش پول قرض داده‌شده توسط قرض‌گیرنده مصداق ظلم نبود، بلکه مطابق با عدالت و انصاف می‌باشد. در مقابل، عدم جبران آن نیز نوعی ظلم توسط قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده است. دلیل اصلی این مدعا به انگیزه اساسی از نگهداری پول بر می‌گردد، زیرا قدرت خرید پول تنها وجه رغبت و تمایل مردم در تقاضا و نگهداری پول بوده و تنها معیار برای ارزش‌گذاری پول است.

تبیین استدلال بر مدعای فوق، به شرح زیر است:

اول، شرط تحقق ربا، اشتراط زیادت بر اصل پول در هنگام بازپرداخت است.

دوم، اساس مبادلات باید بر پایه عدل و عدم ظلم باشد.

سوم، در شرایط تورمی، ارزش پول و قدرت خرید آن کاهش می‌یابد.

چهارم، رعایت عدالت در معامله اقتضاء می‌کند، ارزش پول قرض‌دهنده در هنگام بازپرداخت، با ارزش آن در هنگام قرض مساوی باشد.

پنجم، معیار تحقق ربا، ظلم است.

تعریف از عدالت بیان کننده عدالت اجتماعی است و آرمان‌های عدالت‌خواهانه از این مفهوم نشئت می‌گیرد. ظلم مفهوم مخالف همین تعبیر از عدالت است (صدر، ۱۳۷۴، صص ۳۲۸-۳۲۵).

تعبیر دیگری که در معارف اسلامی از مفهوم عدالت شده، اقتصاد و قصد است. هر دو واژه به معنای رعایت حد وسط و اعتدال است. دوری از افراط و تفریط و داشتن اعتدال، رعایت نوعی تناسب و توازن میان طیفی از انتخاب ست که افراد یا گروه‌های یک جامعه در مواقع تصمیم‌گیری با آنها مواجه‌اند (صدر، ۱۳۷۴، ص ۳۲۶). با ملاحظه آیات، روایات و شرایط انواع مبادلات در فقه ملاحظه می‌شود که یک اصل کلی بر همه آنها حاکم است. در واقع یک اصل کلی همانند یک ریسمان همه آنها را به هم مربوط می‌سازد و آن اصل، رعایت انصاف، عدالت و عدم ظلم به هریک از طرفین مبادله می‌باشد. این اصل هم از آیات و اخبار قابل استنباط است و هم به وسیله عقل و اجماع. شاید بتوان ادعا نمود بدیهی‌ترین اصل از اصول موضوعه به احکام و مقررات دینی، همین اصل است.

ششم، زیادتی که جهت جبران کاهش ارزش پول در نظر گرفته می‌شود، ظلم محسوب نمی‌شود.

شهادت مطهری در کتاب عدل الهی، سه تعریف یا برداشت گوناگون را از عدالت بیان می‌کند. در تعریف نخست، عدالت به معنی رعایت تناسب یا توازن میان اجزاء یک مجموعه مرکب است. مفهوم مخالف عدالت در این تعریف بی‌تناسبی است نه ظلم. در واقع حسن تناسب و ترکیب اجزاء یا یک مجموعه، نشان‌دهنده رعایت عدالت در ساختار و ترکیب آن است. تعریف دوم، عدالت رعایت مساوات بین افراد است هنگامی که استحقاق‌های مساوی دارند. کاربرد این تعریف، ضمن توزیع امتیازات میان افراد مستحق معلوم می‌شود و مفهوم مخالف عدالت در این تعریف تبعیض است. نمونه‌های این نوع عدالت و یا تبعیض مواردی همچون استخدام، ارتقاء، انتصاب و دادن جایزه و پاداش و اجازه ورود و مشارکت می‌باشد. تعریف سوم، عدالت عبارت است از رعایت حق و دادن پاداش و امتیاز بر اساس حق مشارکت‌کنندگان در یک فعالیت. فرمایش حضرت علی(ع) العداله اعطاء کل ذی حق حقه، دادن حق هر حقداری مصداق این عدالت است. به نظر شهید مطهری، این

۳. تعیین نرخ سود در نظام بانکداری بدون ربا

در حال حاضر براساس ماده ۳ آئین‌نامه فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا، با تصویب شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی اقدام به تعیین حداقل نرخ سود (بازده) احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و یا مشارکت و همچنین تعیین حداقل و یا در صورت لزوم حداکثر نرخ سود مورد انتظار و یا نرخ بازده احتمالی برای سایر انواع تسهیلات اعطایی بانکی می‌نماید.

همچنین براساس بند ۷ ماده ۳، بانک مرکزی حداکثر میزان حق الوکاله به کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری را تعیین می‌کند. بر این اساس بانک مرکزی که در هر دوره نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری را برای سپرده‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت (یک‌ساله، دو‌ساله، سه‌ساله، چهارساله، پنج‌ساله) تعیین می‌نماید، و در کنار این امر، نرخ سود تسهیلات مورد انتظار را در بخش‌های صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، بازرگانی و خدمات، و صادرات را با نظر شورای پول و اعتبار تعیین می‌کند.

نگاره شماره (۱) نشانگر نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و

بلندمدت پنج‌ساله و مقایسه آنها با نرخ تورم طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵ است.

نگاره شماره (۱) - نرخ‌های سود اسمی و واقعی در دوره ۱۳۷۲-۱۳۸۵ (به درصد)

نرخ سود واقعی بلندمدت	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
	۱۱.۵	۱۱.۵	۱۴.۰	۱۴.۰	۱۴.۰	۱۴.۰	۱۴.۰	۱۴.۰	۱۳.۰	۱۳.۰	۱۳.۰	۱۳.۰	۱۳.۰	۱۶.۰
	۲۲.۹	۳۵.۱	۴۹.۴	۳۳.۲	۱۷.۲	۲۰.۴	۲۰.۴	۱۲.۶	۱۱.۴	۱۵.۸	۱۵.۶	۱۵.۵	۱۲.۱	۱۱.۰
	۱۴.۹	۲۷.۲	۴۱.۲	۱۵.۲	۹	۱۲	۱۲.۴	۴.۶	۴.۴	۸.۸	۶.۶	۸.۵	۵.۱	۴
	۱۱.۴	۲۳.۴	۳۵.۴	۹.۲	۳.۲	۶	۶.۴	۱.۴	۱.۶	۲.۸	۲.۶	۲.۵	۱.۱	۴-۵
	۶.۹	۱۹.۱	۲۰.۹	۴.۷	۱.۲	۱.۵	۱.۹	۵.۹	۶	۱.۲	۱.۴	۱.۵	۴.۹	۵

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران-۱۳۸۷ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نرخ تورم به جز سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و تا حدودی ۱۳۸۵ همواره بیش از نرخ سود سپرده‌گذاری یک‌ساله بوده است. به این ترتیب سپرده‌گذاران عملاً در نتیجه سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها متضرر شده و

شکل پیچیده‌تری دارد. از رابطه مربوط به تعیین نرخ سود سپرده‌ها می‌توان نتیجه گرفت:

نرخ سود مورد انتظار تسهیلات = نرخ سود سپرده + نرخ ریسک + نرخ کارمزد و سود

در بین عوامل سه‌گانه فوق، محاسبه نرخ ریسک دارای پیچیدگی خاصی است. ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی با توجه به نوع تسهیلات، مورد مصرف، نوع صنعت و اثر متغیرهای اقتصادی بر چشم‌انداز آتی صنعت مورد نظر، شخصیت و ظرفیت استفاده‌کننده از تسهیلات، نوع وثیقه‌های گرفته شده، مدت استفاده از تسهیلات و زمان بازپرداخت، روند گذشته وضعیت بازپرداخت تسهیلات و سایر عوامل مؤثر، ممکن است بسیار پایین و در حد صفر تلقی و یا بسیار بالا برآورده شود؛ به نحوی که به تسهیلات مورد نظر جزو مطالبات غیرقابل وصول و سوخت‌شده طبقه‌بندی گردد. در این صورت اثر نرخ ریسک به عنوان یکی از عوامل تعیین نرخ سود مورد انتظار تسهیلات تعیین‌کننده است. به این ترتیب تحقق نرخ سود مورد انتظار بانک‌ها مستلزم آن است که تعیین نرخ سود مبتنی بر ریسک باشد و هنگام اعطای

قدرت خرید سپرده‌های خود را از دست داده‌اند.

همچنین برای سپرده‌های کوتاه‌مدت در تمامی سال‌ها این حالت اتفاق افتاده است، ولی وضعیت برای سپرده‌های بلندمدت بهتر است، و به غیر از سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ و سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، نرخ سود واقعی برای این نوع سپرده مثبت بوده است.

در ظاهر شیوه عمل تعیین نرخ‌های سود براساس رابطه زیر تعیین گردیده است:

نرخ سود سپرده = نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات - (کارمزد + هزینه‌های ریسک + سود بانک)

فرض بر این است که در بانکداری بدون ربا، رابطه فوق بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات پس از تعیین سود قطعی بانک برقرار می‌باشد. لذا بر این اساس نرخ‌های سود سپرده‌ها براساس شاخص‌های مرتبط که مهم‌ترین آنها تورم است، تعیین می‌شود. سپس با محاسبه متوسط وزن هزینه سود پرداختی بانک‌ها روی سپرده‌ها و به علاوه نمودن هزینه‌ها عملیاتی و کارمزد بانک، متوسط نرخ تسهیلات و در نهایت انواع نرخ‌های تسهیلات و نرخ‌های سود در هر بخش از اقتصاد را به دست می‌آورند. اما به نظر می‌رسد تحقق سود تسهیلات اعطایی

تسهیلات در هر مورد نرخ سود متناسب با نرخ ریسک تعیین گردد.

در کشور ما، نرخ سود سپرده‌های بانکی و نیز تسهیلات اعطایی، توسط شورای پول و اعتبار تعیین و از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به سیستم بانکی ابلاغ می‌شود و بر اجرای آن نظارت می‌شود. نرخ‌های اعلام‌شده عملاً غیر قابل انعطاف است و بانک‌ها موظف به مراعات آن هستند.

اعمال سیاست‌های پولی و نحوه نظارت بر عملیات سیستم بانکی کشورمان به گونه‌ای که پوشش ریسک از طریق تغییرات نرخ سود عملی نیست. شورای پول و اعتبار در جهت تحقق اهداف کلان اقتصادی نرخ سود تسهیلات بانکی را به نسبتی که حمایت از فعالیت‌های هریک از بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، صادرات، بازرگانی و خدمات) ایجاد می‌کند، تعیین می‌نماید. نرخ سود تسهیلات اعطایی در سال‌های ۱۳۷۲ الی ۱۳۸۵ به شرح نگاره شماره (۲) به سیستم بانکی کشور ابلاغ و مورد عمل قرار گرفته است.

نگاره شماره (۲): نرخ سود تسهیلات اعطایی طی سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۸۵ (به درصد)

نرخ	صنعت و معدن	کشاورزی	بازرگانی و خدمات	صادرات	ساختمان و مسکن
۱۳۷۲	۱۸ تا ۱۶	۱۶ تا ۱۲	۲۴ تا ۱۸	۱۸	۱۵
۱۳۷۳	۱۸ تا ۱۶	۱۶ تا ۱۲	۲۴ تا ۱۸	۱۸	۱۵
۱۳۷۴	۱۹ تا ۱۷	۱۶ تا ۱۳	۲۵ تا ۲۲	۱۸	۱۵
۱۳۷۵	۱۹ تا ۱۷	۱۶ تا ۱۳	۲۵ تا ۲۲	۱۸	۱۵
۱۳۷۶	۱۹ تا ۱۷	۱۶ تا ۱۳	۲۵ تا ۲۲	۱۸	۱۶ تا ۱۵
۱۳۷۷	۱۹ تا ۱۷	۱۶ تا ۱۳	۲۵ تا ۲۲	۱۸	۱۹ تا ۱۸
۱۳۷۸	۱۹ تا ۱۷	۱۶ تا ۱۳	۲۵ تا ۲۲	۱۸	۱۹ تا ۱۸
۱۳۷۹	۱۹ تا ۱۷	۱۶ تا ۱۳	۲۵ تا ۲۲	۱۸	۱۹ تا ۱۸
۱۳۸۰	۱۸ تا ۱۶	۱۵ تا ۱۴	حداقل ۲۳	۱۸	۱۹ تا ۱۷
۱۳۸۱	۱۷ تا ۱۵	۱۴ تا ۱۳	حداقل ۲۲	۱۷	۱۸ تا ۱۶
۱۳۸۲	۱۶	۱۳.۵	حداقل ۲۱	۱۵	۱۸
۱۳۸۳	۱۵	۱۴	حداقل ۲۱	۱۴	۱۸
۱۳۸۴	۱۶	۱۶	حداقل ۱۶	۱۶	۱۶
۱۳۸۵	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران-۱۳۸۷ همان‌طور که در نگاره شماره (۲) مشاهده می‌شود، تعیین نرخ سود تسهیلات براساس بخش‌های مختلف اقتصادی و محدود کردن نوسانات نرخ سود به نرخ قطعی تعیین‌شده از سوی شورای پول و اعتبار، این امکان را که ریسک پذیرفته‌شده، توسط نوسانات نرخ سود پوشش داده شود، تا حدود زیادی از بانک‌ها سلب نموده است.

صرف نظر از تحقیقاتی که دانشکده‌های مالی اداری دانشگاه‌های کشور به طور اعم و

است. به عبارت دیگر نسبت مطالبات سررسید گذشته و معوق نسبت به تسهیلات اعطایی در بخش خدمات و بازرگانی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی (به‌جز مسکن که از وضعیت خاص برخوردار است) کمتر بوده است. به این ترتیب علی‌رغم اینکه اعطای تسهیلات در بخش خدمات و بازرگانی می‌بایست به علت داشتن ریسک کمتر با سود انتظار کمتری همراه باشد، بیشترین نرخ سود تسهیلات مربوط به این بخش است (۲۲ الی ۲۵ درصد).

سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن و کشاورزی به دلایل عنوان‌شده در بالا با ریسک بیشتری مواجه است. آمار مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها نیز نشان می‌دهد که ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی در این بخش‌ها بیشتر از بخش خدمات و بازرگانی است، اما ملاحظه می‌شود که نرخ سود تسهیلات اعطایی مربوط به آنها کمتر تعیین گردیده است (۱۳ الی ۱۷ درصد).

این تفاوت نرخ سود با توجه به الزامات وضعیت اقتصادی کشور و لزوم حمایت از بخش تولید به عنوان جزئی از برنامه کلان اقتصادی لحاظ گردیده که جهت گذر موفقیت از دوران توسعه اقتصادی ضروری به

در مؤسسه عالی بانکداری ایران به طور اخص، در خصوص ارزیابی ریسک عدم بازپرداخت انواع تسهیلات به طور پراکنده صورت گرفته، سیستم بانکی کشور این موضوع را به طور جدی و به صورت عملی مورد توجه قرار نداده است. نظر به ساختار اقتصادی کشور که در حال حاضر دوران توسعه اقتصادی را پشت سر می‌گذارد و زیرساخت‌های اقتصادی در حال شکل‌گیری و تکمیل هستند، بخش تولید در بسیاری از زمینه‌ها کماکان از بازده مطلوبی برخوردار نیست و سرمایه‌گذاری در بخش خدمات و بازرگانی دارای ریسک کمتر و بازدهی بیشتری است.

علاوه بر این دوره بازیافت سرمایه در بخش‌های تولیدی به مراتب طولانی‌تر از بخش خدمات و بازرگانی است و این موضوع به ویژه در شرایط عدم ثبات اقتصادی حائز اهمیت است؛ چرا که سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش‌های زود بازده تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

نگاهی به تسهیلات اعطایی سیستم بانکی در سال‌های گذشته نیز مؤید آن است که تسهیلات اعطایی در بخش‌های خدمات و بازرگانی به نسبت کل تسهیلات اعطایی با مطالبات سوخت‌شده کمتری مواجه شده

نظر می‌رسد؛ اما اعمال سیاست‌های اقتصادی از طریق محدودیت نوسانات نرخ سود و تبع آن عدم تناسب ریسک با سود مورد انتظار، سیستم بانکی را با مشکلاتی مواجه ساخته است. به نظر می‌رسد تأمین بودجه از محل درآمد عمومی به منظور جبران مابه‌التفاوت مربوط به تفاوت سود مورد انتظار با سود تعیین‌شده، راهکار مناسبی در این زمینه باشد.

به این ترتیب، پایین‌تر بودن نرخ سود تسهیلات در بعضی از بخش‌های اقتصادی نسبت به سود سپرده‌ها که باعث تصمیم‌گیری‌های غلط فعالان اقتصاد می‌شود، دارای اهمیت خاصی است. برای مثال در چند سال گذشته (برای مثال در سال ۱۳۸۲) نرخ سود تسهیلات در بخش کشاورزی ۱۳۵ درصد و نرخ سود سپرده‌های بلندمدت پنج‌ساله ۱۷ درصد بوده است. این امر باعث شده بود افراد تا حداکثر ممکن به دنبال استفاده از تسهیلات بخش کشاورزی بوده، و با سپرده‌گذاری آن از ۴ درصد مازاد سود مربوطه منتفع شوند.

در سال ۱۳۸۵ که دولت نرخ سود تسهیلات تمامی بخش‌ها را یکسان نموده، همچنان در تمامی این بخش اختلاف ۲ درصدی بین نرخ سود تسهیلات اعطایی و

نرخ سود سپرده بلندمدت پنج‌ساله دیده می‌شود.

در نرخ‌های مصوب شورای پول و اعتبار، دامنه تغییرات نرخ سود در یک بخش اقتصادی مختصر و در سال‌های اخیر تا ۳ درصد بوده است. در دیدگاه حاکم بر تعیین دامنه یادشده به لزوم حمایت از نوع فعالیت مرتبط با تسهیلات اعطایی توجه شده و مدت استفاده از تسهیلات جهت اجرای طرح‌های تولیدی در بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی که بلندمدت هستند، معادل حداقل نرخ سود در آن بخش منظور شده است. در حالی که نرخ سود تسهیلات سرمایه در گردش در بخش‌های مذکور که به صورت کوتاه‌مدت است، معادل حداکثر نرخ سود در آن بخش مد نظر قرار گرفته است.

تعیین نرخ سود بر ترتیب فوق، منجر به این شده است که نرخ سود تسهیلات کوتاه‌مدت بیشتر از نرخ سود تسهیلات بلندمدت گردد. در حالی که دوره باز یافت بیشتر عملاً ریسک بیشتری در بردارد و سود مورد انتظار بیشتری طلب و تسهیلات کوتاه‌مدت با دوره باز یافت کمتر می‌بایست با نرخ سود کمتری همراه باشد. همچنان که نرخ سود بین بانکی بازارهای پولی دنیا نظیر Libor نیز از چنین قاعده‌ای پیروی می‌کند.

الی ۳۰۰۰۰۰ ریال بوده است که معادل نرخ سود مورد انتظار ۳۰ الی ۳۶ درصد در سال می‌گردد. نرخ سود مذکور در همه سال‌ها از بیشترین نرخ سود تسهیلات بانکی (۲۵ درصد در سال) نیز حداقل ۵ درصد بیشتر بوده است.

به این ترتیب، تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی که با بیشترین سود مورد انتظار همراه بوده، از ارزان‌ترین منابع مالی بازار غیر رسمی نیز ۵ درصد در سال ارزان‌تر بوده است. صفوف طولانی متقاضیان تسهیلات بانکی به ویژه جهت استفاده از تسهیلات در بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و مسکن و ساختمان معلول تفاوت نرخ مذکور است. چنانچه از جدول سود واقعی سپرده‌های بانکی نیز برمی‌آید، بالاترین نرخ سودی که بانک‌های تجاری ما در سال‌های مورد مطالعه (۱۳۷۲-۱۳۸۵) به سپرده‌گذاران پرداخته‌اند، پایین‌تر از نرخ تورم بوده است. و به همین دلیل مدت‌هاست که مورد اعتراض سپرده‌گذاران قرار دارد. شکایت سپرده‌گذاران با توجه به کاهش مداوم قدرت خرید پول کالا مواجه است. زیرا افزایش سریع قیمت‌ها در چند سال اخیر، نرخ حقیقی سود بانکی را منفی ساخته است. تنها قدرت خرید سود نیست که کاهش

با توجه به اینکه تأکید دولت بر لزوم کاهش نرخ سود بانکی طی دو سال گذشته باعث شده است که حداقل در ظاهر این اختلاف چند درصدی بین نرخ سود بانکی و نرخ سود تسهیلات از بین برود و دیگر کسی نتواند از این موقعیت منتفع گردد.

نگاهی به بازار غیر رسمی پول، عدم تناسب نرخ سود تسهیلات بانکی با نرخ سود مورد انتظار بازار را ملموس‌تر می‌سازد. بازار غیر رسمی پول و سرمایه ایران علی‌رغم گستردگی آن از انسجام خاصی برخوردار نیست و نرخ سود بازار غیر رسمی با دامنه تغییرات فاحش همراه است.

با توجه به فرصت‌های مختلف سرمایه‌گذاری به ویژه در بخش بازرگانی، عرضه‌کنندگان پول سود مورد انتظار خود را با فرصت یادشده مقایسه می‌کنند و ضمن ارزیابی ریسک مربوط با لحاظ کردن میزان ریسک‌پذیری خود سودهای مورد انتظار متفاوتی را مطالبه می‌کنند. با وجود این، کمترین ریسک در بازار غیر رسمی مربوط به نرخ سودی است که بنگاه‌های معاملات املاک و مستغلات برای مبالغ رهن و اجاره مورد نظر قرار می‌دهند و در معاملات اعمال می‌نمایند. نرخ مذکور در دهه اخیر ماهیانه به ازای هر ده میلیون ریال، ۲۵۰۰۰۰ ریالی

می‌یابد، بلکه قدرت خرید اصل سپرده‌ها نیز تحلیل می‌رود. از سوی دیگر کسانی که از تسهیلات بانکی استفاده می‌کنند، علاوه بر به‌کارگیری وجوه مربوطه به عملیات سودآوری از مابه‌التفاوت نرخ تورم و نرخ کارمزد یا سود بانکی نیز بهره‌مند می‌گردند. بانک‌های تسهیلات‌دهنده نیز به جای کسب درآمد با زیانی که ناشی از کاهش ارزش تسهیلات پرداختی است، مواجه می‌گردند. ولی تنها سپرده‌گذاران نیستند که از این وضع ناخرسند و خواستار افزایش نرخ سود بانکی‌اند، گروهی از اقتصاددانان نیز نرخ فعلی سود بانکی را برای سپرده‌گذاران ناعادلانه و برای اقتصاد کشور زیان‌آور می‌دانند. از سوی دیگر توزیع درآمد نیز در حساسیت پس‌انداز به نرخ سود مؤثر است. در جوامعی که توزیع درآمد متمرکز باشد، یعنی فاصله بین درآمد اکثریت مردم با درآمد آن دسته از اقلیت که دارای درآمد بالا می‌باشند، زیاد باشد، حساسیت پس‌انداز به نرخ سود در سطح کلان ضعیف است و این کیفیت را می‌رساند که عکس‌العمل یا حساسیت پس‌انداز تنها معلول درآمد و نرخ حقیقی سود بلکه توزیع درآمد هم در این حساسیت نقشی دارد (موسایی، ۱۳۷۶، صص ۸۹-۸۸).

از زمانی که دولت‌ها این اجازه را یافتند که پول بدون پشتوانه مشخص منتشر کنند، در واقع توانسته‌اند به راحتی دست در جیب آحاد ملت خود کرده و مقداری از دارایی واقعی آنها را کاهش دهند. این کاهش قدرت خرید البته مختص کسانی است دارایی‌شان به صورت پول نقد است و ثروتمندان و طبقات بالای درآمدی که معمولاً دارایی‌های خود را به صورت املاک و دارایی‌های غیرمنقول نگهداری می‌کنند، از این دستبرد دولت‌ها نه فقط معاف هستند، بلکه از این وضعیت به علت افزایش قیمت دارایی‌شان منتفع می‌شوند. آیا واقعاً دولت‌ها باید از لحاظ حقوقی چنین اجازه‌ای را داشته باشند؟ این مسئله‌ای است که از لحاظ حقوقی قابل تأمل و بحث فراوان است.

در واقع دارندگان پول مانند پس‌اندازکنندگان و حقوق‌بگیران، صاحب نوعی از دارایی هستند که اختیار حفظ آن را ندارند و به عبارت دیگر اسکناس و پول‌های تحریری مانند اسبی می‌ماند که افسارش در اختیار صاحبش نیست و در اختیار دولت‌هاست. در صورتی که دارندگان پول‌های گذشته (دینار و درهم) مالکیتشان بر دارایی‌شان محفوظ و محترم بود. به هر حال این وضعیتی است که اقتصاد عصر حاضر به

آن گرفتار است. در چنین شرایطی با توجه به تعریف سنتی ربا که هرگونه جبران ارزش سپرده و پس اندازها را ممنوع می‌داند، علاوه بر اینکه به طور مرتب ارزش دارایی نقدی افراد کاهش می‌یابد، در پرداخت‌ها و دریافت‌های مدت‌دار نیز معمولاً نمی‌توان قسط و عدالت را رعایت نمود. مبادلات مدت‌دار به مبادلات جزافی غرری تبدیل می‌شوند که در اسلام مورد تحریم قرار گرفته‌اند (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

فرجام

۱- از مجموع مباحث فوق چنین نتیجه‌گیری می‌شود که عدم جبران کاهش ارزش پول، با در نظر گرفتن ملاک تحریم ربا (یعنی جلوگیری از ظلم و انظلام به گونه‌ای که نه به قرض‌دهنده ظلم شود، نه به قرض‌گیرنده) مصداق عملی ظلم است و روا نمودن ظلم، براساس ادله اربعه (نص صریح آیات قرآن کریم، اخبار، عقل و اجماع)، مذموم و نکوهیده بوده و در مقابل، رعایت عدالت و انصاف و نیز جلوگیری از اجحاف و تعدی و همچنین رسیدن هر ذی‌حقی به حق خود، یک قاعده و اصل مسلم در فقه اسلامی است. این اصل در کلیه معاملات ساری و جاری می‌باشد.

۲- قید ناحق و یا ظالمانه بودن در تعریف ربا، جبران کاهش ارزش پول در قرض را از مصداق ربا، خارج می‌کند، زیرا ملاک و مناط حرمت ربا، همان‌طور که بیان شد، ظلم و انظلام است و جبران کاهش ارزش پول قرض داده‌شده توسط قرض‌گیرنده به عدالت و انصاف نزدیک‌تر است و عدم جبران آن نیز نوعی ظلم توسط قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده است. بنابراین با استناد به تعریف ربا، تفاوت‌های پول‌های قدیم و پول‌های جدید و دلایل مذکور، می‌توان بر لزوم جبران کاهش ارزش پول خصوصاً در دیون و معاملات مدت‌دار تأکید نمود.

۳- نرخ تورم به جز سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و تا حدودی ۱۳۸۵ همواره بیش از نرخ سود سپرده‌گذاری یک‌ساله بوده است. به این ترتیب سپرده‌گذاران عملاً در نتیجه سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها متضرر شده و قدرت خرید سپرده‌های خود را از دست داده‌اند. همچنین برای سپرده‌های کوتاه‌مدت در تمامی سال‌ها این حالت اتفاق افتاده، ولی وضعیت برای سپرده‌های بلندمدت بهتر است، و به غیر از سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ و سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، نرخ سود واقعی برای این نوع سپرده مثبت بوده است.

۴- نرخ بهره واقعی تسهیلات اعطایی بانکها، به افرادی که تقاضای وام کرده‌اند، پایین تر از نرخ بازاری آن است، لذا تخصیص بهینه تسهیلات از میان‌رفته و تأثیری که بر سرمایه‌گذاری این بخش می‌گذارد، بسیار اندک است. نرخ سود تسهیلات اعطایی و نرخ سود سپرده‌ها در کشور ما تابع عوامل مؤثر بر نرخ سود مورد انتظار نیست، زیرا با نگاهی به بازار غیر رسمی پول، عدم هماهنگی بین نرخ سود تسهیلات بانکها و نرخ سود سپرده‌ها با نرخ سود مورد انتظار بازار کاملاً مشهود است. علت هم این است که نرخ سود بازار غیر رسمی دامنه تغییرات فوق‌العاده بالایی دارد.

منابع فارسی

۱. ابراهیمی، محمدحسین، (بهار ۱۳۷۲)، *ربا و قرض در اسلام*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲. انیس، ابراهیم، (۱۴۰۸ ق)، *المعجم الوسیط*، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. *ترازنامه و گزارش‌های اقتصادی بانک مرکزی*، سال‌های مختلف. (وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)
۴. تفضلی، فریدون، (۱۳۷۸)، *اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، تهران نشر نی.
۵. ختایی، محمود، (۱۳۸۴)، *اثر تغییر نرخ سود رسمی پیش‌بینی شده بر سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران*، تهران پژوهشکده پولی و بانکی.
۶. صدر، سیدکاظم، (۱۳۷۴)، *اقتصاد صدر اسلام*، دانشگاه شهیدبهشتی.
۷. کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند، (۱۳۸۰)، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، قم پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۸. ماجدی، علی و حسن گلریز، (۱۳۶۶)، *پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری*، مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی.
۹. *ماهنامه اقتصاد ایران*، (دی ۱۳۸۵)، شماره ۹۵، سال نهم.
۱۰. *مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۴.
۱۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، *مسئله ربا به ضمیمه بیمه*، انتشارات صدرا.
۱۲. موسایی، میثم، (۱۳۷۶)، *تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی*، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۱۳. مهدوی نجم‌آبادی، سیدحسن، بانکداری اسلامی شیوه نظری، *مجله روند*، سال سوم.
۱۴. میر جلیلی، سید حسین و حسن نظری، (۱۳۸۲)، *پول در اقتصاد اسلامی*، چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۱۵. یوسفی، احمدعلی، (۱۳۸۱)، *ربا و تورم*، مرکز نشر آثار پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۱۶. یوسفی، احمدعلی، *قانون عملیات بانکی بدون ربا*، مجلس شورای اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۲.

منابع لاتین

17. Mankiw, N.Gregory. (2002). *Principles of Macroeconomics*. Harvard University. Third Edition.
18. Rose, D.S. & Fraser, V.R. (1988). *Financial Institution*. (3re.ed) by Harris. Washington DC: IMF.
19. Siklos, P.L. (2004). *Money, Banking, and Financial Institution*. (4th,ed.). London: Mc Grow-Hill Pub.
20. WWW.CBI.IR